تفسیر فلسفی

از جمله تفسیرهای اجتهادی، شیوه های تفسیری فلسفی است که با گرایش و مذاقی فلسفی تدوین شده اند .در تفسیرهای فلسفی از اصول و قواعد فلسفی برای ادراک مفاهیم و مقاصد قرآن کمک گرفته می شود .چنین مفسرانی که با نگرش فلسفی به تفسیر آیات می پردازند معتقد به یکی از مکتب های فلسفی مانند مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه هستند و با توجه به گرایش فلسفی خود، به تفسیر آیات اهتمام ورزیده اند.

محتویات

تعریف تفسیر فلسفی

تفسیر فلسفی چندگونه تعریف شده است :ذهبی در تعریف این روش گوید :دو روش به نام تفسیر فلسفی شناخته شده اند.

1. تأویل کردن نصوص دینی به گونه ای که با آرای فلسفی موافق شوند.
2. شرح نصوص دینی طبق آرا و دیدگاه های فلسفی.
3. برخی دیگر گفته اند :روش تفسیر فلسفی تطبیق آیات قرآن بر آرای فیلسوفان یونان است .بعضی دیگر از قرآن پژوهان نیز دو روش ذیل را برای تفسیر فلسفی بیان کرده اند .1 :تلاش صرفاً عقلی در تأویل آیات برای استخراج مقاصد اساسی آیات با هدف تطبیق نظریات فلسفی یونان با قرآن کریم و مستند ساختن آرای فلسفی به آیات قرآنی .2 .ژرف اندیشی و دقت زیاد عقلی در استخراج معانی آیات و ادراك مقاصد اساسی قرآن، مطابق با اصول و قواعد تفسیر.

به طور کلی با ملاحظه دیدگاه های مختلف می توان گفت تفسیر فلسفی به سه معنا به کار می رود:

تفسیر فلسفی از قرآن، به معنای تطبیق آموزه های فلسفی بر قرآن مجید، با هدف جمع میان فلسفه و آموزه های دینی و ایجاد هماهنگی میان آن دو.

فلسفی تفسیر کردن قرآن، به معنای آنکه آیات قرآن بر فلسفه تطبیق داده شوند .در این قسم مفسّر می کوشد آیات قرآن را مطابق با آرا و اندیشه های فلسفی تفسیر کند، از این رو تأویل به نحوی چشمگیر و گسترده به تفسیر آیات راه می یابد.

روش فلسفی در تفسیر قرآن؛ یعنی به کار گرفتن نهایت دقت عقلی برای فهم آیات قرآن؛ به عبارت دیگر روش فلسفه را در تفسیر قرآن به کار بگیریم و تفسیر را که جزو علوم نقلی و عقلایی است به روش عقلی و استدلال و برهان ریاضی بیان و در استخراج معارف آن ژرف اندیشی کنیم.

ریشه این نوع تفسیر فلسفی را کم و بیش در بسیاری از تفاسیری که فلاسفه از آیات قرآن ارائه داده اند، به ویژه در تفسیر القرآن الکریم صدرالمتألهین شیرازی می توان جست و جو کرد

پیشینه تفسیر فلسفی

شاید یعقوب بن اسحاق کندی) م 246 .ق (.نخستین فیلسوف مسلمانی باشد که با نوشتن رساله الابانة عن سجود الجرم الاقصی و طاعته لله تعالی روش فلسفی را در تبیین کیفیت سجود افلاك بر خداوند متعالی به کار گرفته است .وی در این اثر خود آیه» والنَّجمُ والشَّجَرُ یَسجُدان) «الرحمن55/، (6را تفسیر کرده، سجود را به معنای تسلیم و اطاعت از امر الهی می داند.

پس از وی، ابونصر فارابی) م 339 .ق (.در فصوص الحکم منسوب به او» لا اُحِبُّ الآفِلین) «انعام6/، (76 را به ممکنات و موجودات باطل الذات تفسیر کرده و آیه کریمه» کُلُّ شَیء هالِكٌ اِلاّ وجهَهُ) «قصص28/، (88را چنین تفسیر کرده است که ماهیات باطل الذات اند، چون معلول بوده، در ذات خود نسبت به وجود و عدم یکسان اند؛ ولی این ماهیات از جهت انتساب به مبدأ و علت خود وجوب وجود بالغیر داشته، از این جهت مصداق »وجهه «هستند. ذهبی در اثر خود به تبیین روش فارابی پرداخته است جمعیت سری فیلسوفان اسماعیلی قرن چهارم معروف به اخوان الصفا نیز در رسائل خود روش فلسفی را در تفسیر و تأویل قرآن مجید به کار گرفته اند .اخوان الصفا که از طریق ترجمه آثار فلاسفه یونان، ایران و هند از جمله آثار افلاطون، ارسطو و

نوافلاطونیان با فلسفه یونانی، ایرانی و هندی آشنا شده بودند با همین نگرش و اندیشه به تفسیر قرآن روی آورده، درصدد هماهنگ نشان دادن مبانی دینی با آرای فلسفی بودند .آنان می کوشیدند معارف اسلامی را در قالب فلسفه یونان یا هند بریزند .اخوان الصفا از نظر مذهبی گرایش اسماعیلی داشتند و بر این باور بودند که قرآن به ظاهرش نیست، بلکه رموزی برای عارفان است؛ همچنین به اعتقاد آنان کتاب های آسمانی تنزلات ظاهری حقایق اند؛ اما در شکل الفاظ قابل ادا و استماع و دارای تأویلات باطنی که همان مفاهیم و معانی عقلی اند .تأویلات اخوان الصفا شباهت زیادی به تأویلات باطنیان دارند؛ اما به باور بعضی، اخوان الصفا در مقایسه با باطنیان صورت علمی تر و عقلی تری به تأویلات خود داده اند

مبانی تفسیر فلسفی

تفسیر فلسفی همانند سایر روش های تفسیری دارامبانی، ملاك ها، ضوابط و پیش فرض هایی گوناگون است که شکل دهنده و تعیین کننده نوع تفسیر فلسفی اند؛ مانند:

.مهم ترین دغدغه فلیسوفانی که به تفسیر فلسفی قرآن مجید روی آورده اند به ویژه ابن سینا و ابن رشد هماهنگی عقل و وحی و جمع بین فلسفه و قرآن بوده است .آنان فلسفه را مطالعه» کتاب تکوین «خداوند دانسته و تفسیر را مطالعه» کتاب تدوین «الهی و بین فعل خداوند در تکوین و قول خداوند در تشریع و تدوین هماهنگی و اتحاد می دیده اند.

.به نظر برخی فلاسفه به ویژه ملاصدرا، قرآن مجید در پس این الفاظ دارای باطن و اسراری است که باید با حفظ این الفاظ به آن باطن پی برد .در تفسیر و تأویل هرگز نباید از ظاهر قرآن عدول کرد، زیرا ظاهر و باطن قرآن با یکدیگر پیوند دارند.

.برخی فلاسفه برآن اند که تفسیر قرآن نه واجب است و نه مستحب، بلکه کار خوب و باارزشی است؛ اما تأویل قرآن واجب است، مخصوصاً در برخی از آیات اعتقادی.

.براهین قطعی فلسفی که از مقدمات ضروری حاصل شده باشند معصوم اند و احتمال خطا در آن ها نیست، مگر آنکه تنها صورت برهان و قیاس باشند نه حقیقت آن

علت پیدایش تفسیر فلسفی

فیلسوفان در گزینش نام» حکمت «برای فلسفه، از قرآن مجید متأثر بوده، لفظ قرآنی» حکمت «و خیر کثیر بودن آن را بر دانشی که مادر همه دانش هاست قرار داده اند) بقره2/،(269؛ همچنین برخی فیلسوفان با استناد به چند روایت منسوب به پیامبر اکرم)صلی الله علیه وآله (معتقدند که ارسطو پیامبر بوده است. از سوی دیگر آغاز پیدایش فلسفه را از هِرمِس دانسته، او را به لقب» والد حکما «ملقب کرده و معتقدند که وی همان حضرت ادریس)علیه السلام (است.، بنابراین فلسفه را دانشی می دانند که از پیامبران الهی گرفته شده است، از این رو فلسفه و عرفان نظری را تفسیر انفسی قرآن مجید می دانند. از دیگر اسباب روی آوردن به تفسیر فلسفی، اشتراك فلسفه و دانش تفسیر در برخی از مسائل است، چنان که در مباحث اعتقادی مربوط به خداشناسی و توحید ذاتی، صفاتی و افعالی، اسما و صفات خداوند، تسبیح موجودات، صفات پیامبران)علیهم السلام(، مباحث مربوط به نفس و معاد، انسان شناسی و جهان شناسی و ...هم مفسران باید به شرح و تبیین و تحلیل و اثبات بپردازند و هم فیلسوفان و قهراً رویکرد فلسفی در تفسیر این گونه آیات پدید می آید .افزون بر آنکه تفسیر و فلسفه در غرض و هدف اشتراك دارند و هریك در پی شناخت خداوند و افعال و کلام الهی هستند، چنان که مسائلی از علوم قرآن نیز بین این دو مشترك اند؛ مانند بحث از کیفیت وحی و نزول فرشته و کیفیت ارتباط عالم ماده با مجردات .ضمن آنکه ایجاد آشتی بین دین و فلسفه و عدم تعارض آن ها خود هدف والایی است که فلاسفه مسلمان و حتی غیر مسلمان از قدیم به آن توجه داشته اند.

بحث از برهان صدّیقین، تبیین ماهیت ملائکه و اصناف آن ها و جنّ، تفسیر معجزات به طوری که از قانون علیت خارج نباشند، علم غیب، ولایت تکوینی، حدوث و قدم جهان، علم خداوند به جزئیات و مادیات، کیفیت معاد جسمانی و ...مسائلی هستند که هم در فلسفه از مهم ترین بحث ها بشمار رفته و آیات شریف قرآن نیز گاهی به صراحت و گاهی با ظهور و اشاره به آن ها پرداخته و هر فیلسوف مسلمان می کوشد دانش فلسفی او از قرآن تخطّی نکند و هر مفسری نیز می خواهد که آیات را برخلاف براهین عقلی تبیین نکند.

آنچه ذکر شد مهم ترین عوامل رویکرد فیلسوفان به تفسیر فلسفی از قرآن اند .ضمناً باید توجه داشت که رابطه جهان با خداوند در رویکرد کلامی با اصطلاح» اثر و مؤثر «و در رویکرد عرفانی با نظریه» فیض و تجلی و

ظهور «معرفی می شود و در فلسفه با» قانون علیت«؛ مثلا در تفسیر آیه» :اَنتُمُ الفُقَراءُ اِلَی اللهِ) «فاطر35/، (15متکلم ملاك فقر را حدوث و عارف شأن و ظل و فیء بودن می داند و فیلسوف می گوید :هر چیزی چون ممکن است فقیر است، بنابراین با رویکرد خاص خود به شرح آیات و روایات می پردازند

نگاهی دیگر به تفسیر فلسفی

تعریف تفسیر فلسفیدر تفسیر فلسفی، مفسر فیلسوف، با توجه فراوان به آیات فلسفی به بیان و دیدگاه فلسفی خود در آیات می پردازد و از روشهای متعارف بهره می گیرد.

اهم تفاسیر فلسفیبه تعدادی از مهم ترین تفاسیر فلسفی که گرایش غالب یا یکی از گرایشهای آن فلسفی است، به ترتیب عصر و زمان حیات مفسران آنها اشاره می شود:

, ۱ تفسیر ابن سیناابوعلی سینا، از عالمان قرن چهارم و از متفکران شیعی است که در حوزه های فلسفه، کلام، عرفان، طب و تفسیر، آثار گرانقدری را از خود برجای گذاشته است .او در تفسیر، به بیان معانی برخی از سوره ها و آیات با مشرب مشاء و استدلال و گرایش فلسفی، به زبان عربی، پرداخته که عبارت اند از :تفسیر سوره اعلی، اخلاص، فلق، ناس، آیه ۱۱ فصلت، آیه نور و. . .ابن سینا رساله دیگری نیز به نام النیروزیه فی معانی الحروف الهجائیه دارد که به آغاز سوره ها و بیان اسرار آنها مربوط است .کتاب التفسیر القرآنی و اللغه الصوفیه فی فلسفه ابن سینا از حسن عاصی، نیز به بیان مبانی تفسیری ابوعلی سینا پرداخته است .

, ۲ تفسیر القرآن الکریم ملاصدراتألیف محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، معروف به صدرالمتألهین) م ۱۰۵۰ق (به زبان عربی است .مذهب وی شیعه جعفری بوده و تفسیر او به تفسیر صدرالمتألهین معروف است . او از فلاسفه بزرگ عالم تشیع است که حکمت متعالیه را رونق داد .ملاصدرا همچنین صاحب شرح اصول کافی، مفاتیح الغیب، اسرارالآیات و انوارالبینات است .تفسیر ملاصدرا، دربردارنده تمامی آیات نیست و تنها شامل سوره های فاتحه، واقعه، یس، اعلی، حدید، جمعه، سجده، طارق، زلزال، بخشی از سوره بقره و برخی از آیات دیگر است.در تفسیر آیات به مباحث فلسفی و عرفانی پرداخته و از شیوه استدلال و برهان بهره گرفته است .او نخستین کسی بود که در تقریب دو مشرب مشاء و اشراق کوشید و در تفسیر، هر دو مشرب را مورد توجه قرار داد .او به گفتار بزرگان و نقد آن و مباحث لغوی در تفسیر آیات مذکور، مبادرت کرده، از همین رو نکات عرفانی، ارشادی و حکمتهای برهانی در تفسیر او مشهود است. ملاصدرا از تفاسیر بیضاوی، زمخشری، فخررازی، طبرسی بهره گرفته و تلاش کرده لطایف و زیباییهای قرآن را بیان کند، زیرا قرآن غذای روحی آسمانی است که هرکس به سهم خود از معارف عالیه آن بهره مند می شود.

, ۳ تحفه الابرار فی تفسیر القرآنتألیف ملامحمد ملائکه، از عالمان شیعه در قرن دوازدهم و به زبان عربی است .تفسیر او شامل تمامی آیات قرآن به ترتیب سوره هاست .ملامحمد تفسیرش را به سبک و سیاق فلسفی نوشته و به مسائل کلامی و روایات نیز اهتمام داشته است .او در تفسیرش از روایات بسیار بهره برده و روایات اهل بیت علیهم السلام، از آیات را با توجه به معانی و سیاق آیات و مقایسه آنها با یکدیگر، بررسی کرده است.تفسیر او دارای مباحث عرفانی و کلامی گسترده ای است .ملامحمد در ذیل آیات مباحث فلسفی، به کاوش پرداخته و براساس مشرب فلسفی خود، آنها را تحلیل کرده است.

, ۴ تفسیر رضوانتألیف میرزا عبدالوهاب) م۱۲۹۴ق (متخلص به رضوان، از عالمان بزرگ شیعه و از فلاسفه معروف قرن سیزدهم است .تفسیر رضوان به زبان عربی و شامل بخشی از آیات قرآن است .رضوان با شیوه فلسفی به تفسیر آیات پرداخته و با استدلالهای عقلی و فلسفی به بیان نگرش و برداشتهای خود از تفسیر، مبادرت کرده است .او مسائل فلسفی، کلامی، اعتقادی و مباحث مربوط به توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد را در ذیل سوره های حمد، توحید، واقعه، یس، اعلی و حدید بیان کرده است.در تفسیر رضوان، در کنار مباحث عقلی و کلامی، به نقل روایات معصومین علیهم السلام نیز عنایت شده و میرزا عبدالوهاب، روایات را در حد امکان نقل کرده است .او تلاش کرده شبهات کلامی را با بهره گیری از عقل، استدلال و روایات پاسخ گوید .وی از گفتار صحابه و تابعیان نیز سخن به میان آورده و نکات عرفانی در تفسیر او مشهود است.

نمونه هایی از تفسیر فلسفی, ۱ ملاصدرا درآغاز سوره یس می گوید » :و القرآن الحکیم، المحکم عن الباطل و التحریف، او :ذی الحکه -لما فیه من الآیات الدالات علی العلوم الربوبیات -و فیه سر آخر و هو ان یکون المراد به عقل الرسول الذی فیه صور معلومات الأشیاء و حقائقها کما فی اللوح المحفوظ، و هو الذکر الحکیم، و قد وقع الاصطلاح من أقوام علی تسمیه العقل الذی فیه مبدأ تفاصیل المعقولات » عقلا قرآنیّا « و علی تسمیه النفس التی استمدت منه فی حضور تلک التفاصیل » عقلا فرقانیا « فعلی هذا یکون هذا القسم من قبیل » لعمرک .« و مما یؤکد هذا المطلب أن کل ما ظهر من الآثار الصادره من الله فی مظهر خاص بحسب ما یوجد فیه من ملکه قائمه او صفه راسخه او اتصال قوی بالمبدأ الفعال فهو انما کان من حقیقه ذلک المظهر، فالقرآن بحسب الذات و الماهیه کان خلق الرسول، و هذا أمر اتفق علیه اذواق اهل الله .« .علامه طباطبایی در سوره حمد می گوید :و قوله

تعالی :الحمدُ لله، الحمد علی ما قیل هوالثناء علی الجمیل الاختیاری و المدح أعم منه . . .بحث فلسفی] معنی الحمد و انه لله سبحانه [البراهین العقلیه ناهضه علی ان استقلال المعلول و کل شأن من شئونه انما هو بالعله، و ان کل ما له من کمال فهو من اظلال وجود علته، فلو کان للحسن و الجمال حقیقه فی الوجود فکماله و استقلاله للواجب تعالی لأنه العله التی ینتهی إلیه جمیع العلل، و الثناء و الحمد هو إظهار موجود ما بوجوده کمال موجود آخر و هو لا محاله علته و إذا کان کل کمال ینتهی إلیه تعالی فحقیقه کل ثناء و حمد تعود و تنتهی إلیه تعالی، فالحمد لله رب العالمین « .
پینوشتها:
,۱ خرمشاهی، دانشنامه، ص ۷۹۵ و ,۷۳۸,۲ ایازی، المفسرون، ص ,۳۱۰,۳ جوادی، دایره المعارف تشیع، ج۳، ص ,۱۸۳,۴ همان، ج۳، ص ,۱۸۵,۵ تفسیر القرآن، ص ۱-,۱۸,۶ المیزان، ج۱-۱۹ و ,۲۴منبع
مقاله: مؤدب، سیدرضا؛) ۱۳۹۲(، روشهای تفسیر قرآن، تهران :سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها)سمت(، چاپ اول
تفسیر فلسفی یعنی تفسیر قرآن مطابق با آرا و اندیشههای فلسفی است.

-منبع

- روشی در تفسیر
برخی قرآن پژوهان تفسیر فلسفی را گرایشی تفسیری میدانند]۱[]۲[، در حالی که بعضی دیگر آن را منهج و روشی در تفسیر شمردهاند].۳[

- تعاریف
تفسیر فلسفی چندگونه تعریف شده است :ذهبی در تعریف این روش گوید :دو روش به نام تفسیر فلسفی شناخته شدهاند :۱ .تأویل کردن نصوص دینی به گونهای که با آرای فلسفی موافق شوند .۲ .شرح نصوص دینی طبق آرا و دیدگاههای فلسفی].۴ [برخی دیگر گفتهاند :روش تفسیر فلسفی تطبیق آیات قرآن بر آرای فیلسوفان یونان است].۵[]۶ [بعضی دیگر از قرآن پژوهان نیز دو روش ذیل را برای تفسیر فلسفی بیان کردهاند :۱ .تلاش صرفاً عقلی در تأویل آیات برای استخراج مقاصد اساسی آیات با هدف تطبیق نظریات فلسفی یونان با قرآن کریم و مستند ساختن آرای فلسفی به آیات قرآنی .۲ .ژرفاندیشی و دقت زیاد عقلی در استخراج معانی آیات و ادراک مقاصد اساسی قرآن، مطابق با اصول و قواعد تفسیر].۷[

-کاربرد
به طور کلی با ملاحظه دیدگاههای مختلف میتوان گفت تفسیر فلسفی به سه معنا به کار میرود:
۱ .تفسیر فلسفی از قرآن، به معنای تطبیق آموزههای فلسفی بر قرآن مجید، با هدف جمع میان فلسفه و آموزههای دینی و ایجاد هماهنگی میان آن دو.
۲ .فلسفی تفسیر کردن قرآن، به معنای آنکه آیات قرآن بر فلسفه تطبیق داده شوند .در این قسم مفسّر میکوشد آیات قرآن را مطابق با آرا و اندیشههای فلسفی تفسیر کند، از این رو تأویل به نحوی چشمگیر و گسترده به تفسیر آیات راه مییابد.
۳ .روش فلسفی در تفسیر قرآن؛ یعنی به کار گرفتن نهایت دقت عقلی برای فهم آیات قرآن؛ به عبارت دیگر روش فلسفه را در تفسیر قرآن به کار بگیریم و تفسیر را که جزو علوم نقلی و عقلایی است به روش عقلی و استدلال و برهان ریاضی بیان و در استخراج معارف آن ژرفاندیشی کنیم .ریشه این نوع تفسیر فلسفی را کم و بیش در بسیاری از تفاسیری که فلاسفه از آیات قرآن ارائه دادهاند، به ویژه در تفسیر القرآن الکریم صدرالمتألهین شیرازی میتوان جست و جو کرد].۸[

-تفسیر ملاصدرا
بسیاری از نکات دقیق و ظریف موجود در تفسیر ملاصدرا ناشی از دقت نظر و ژرفاندیشی این مفسر بوده است؛]۹ [وی در تفسیر آیه ۲۴ واقعه]۱۰« :[جَزاءً بِما کانوا یَعمَلون »درباره تناسب پاداش با عمل و تنوع پاداش های اخروی میگوید :لذت هرکس تابع ادراک اوست .انسان نیروها و غریزههایی دارد که هریک لذتی را میطلبد .همان گونه که شهوت های گوناگون آدمی هریک جویای لذتی است، دل آدمی که جایگاه انوار ملکوتی است لذت هایی را میطلبد که از جنس لذت های جسمانی نیستند .لذت دل در ادراک حقایق و رسیدن به

کنه صفات جمال و جلال پروردگار است].۱۱][۱۲ [البته وجود این روش تفسیر فلسفی در تفسیر ملاصدرا وجود دو روش پیشین را در این تفسیر نفی نمیکند.
المیزان طباطبایی، تسنیم جوادی آملی، مباحث تفسیری شهید مطهری در مجموعه آشنایی با قرآن و معارف قرآن مصباح یزدی را نیز میتوان نمونههایی مشتمل بر این نوع روش تفسیر فلسفی دانست، با این حال در کتاب های روش شناسی تفسیر به ندرت از این روش به عنوان روش تفسیر فلسفی یاد میشود.
در قسم سوم، روش، فلسفی است هر چند خود آن مباحث فلسفی نباشند؛ ولی در قسم اول و دوم مباحث فلسفی بوده گرچه روش آن ها روش فلسفی نیست؛ مثلا استدلال عقلی برگزارههای دینی داخل در قسم سوم و خارج از اول و دوم است؛ اما غالباً در کتاب های روش شناسی تفاسیر از جمله این مقاله،» روش فلسفی «به معنای قسم اول و دوم به ویژه قسم دوم به کار میرود.

- صحت و سقم
در مورد صحت و سقم تفسیر فلسفی دیدگاههای متفاوتی بیان شده است .ذهبی این روش را با تأویلات باطنیه متحد دانسته، هدف از آن را نابودی قرآن و اهداف کتاب الهی میداند].۱۳ [خالد عبدالرحمن العَک نیز روش تفسیر فلسفی را از جمله روش های منحرف در تفسیر معرفی کرده است].۱۴ [علامه طباطبایی نیز در نقد تفسیر فلسفی معتقد است فلاسفه به ویژه مشائیین در تفسیر به ورطه تطبیق و تأویل آیاتی افتادند که در ظاهر با مسلمات فلسفه مخالف بودند و در مورد حقایق ماورای طبیعت و پیدایش آسمان ها و زمین و برزخ همه آیات معارض با فلسفه به معنای اعم را به طور گسترده تأویل کردند].۱۵ [برخی نیز آن را روشن ترین مصداق تفسیر به رأی و مورد مذمت ائمه) علیهمالسلام (میدانند].۱۶ [از سوی دیگر شیخ حر عاملی ادله عقلی و نقلی فراوانی آورده بر آنکه تفسیر قرآن به غیر مأثور جایز نیست] ۱۷][۱۸[؛ ولی صدرالمتألهین معتقد است کسانی که احکام ظاهر بر آنان غلبه کرده و به باطن و اسرار آیات شریفه پی نبردهاند تفسیر فلسفی را تفسیر به رأی میدانند .سپس شواهد و مؤیدات فراوانی بر این روش تفسیری ذکر کرده است].۱۹[

- تفسیر فلسفی بعضی از آیات
تاکنون هیچ تفسیر کاملی از قرآن مجید به روش تفسیر فلسفی تدوین نشده و در آثار فیلسوفان، تنها برخی از آیات مانند آیه الکرسی، آیه نور و بعضی از سورهها مانند سوره توحید، اعلی و حدید با این روش تفسیر شدهاند .مفصل ترین تفسیر فلسفی موجود تفسیر القرآن الکریم از صدرالمتألهین شیرازی است که در ۷ جلد تنظیم شده و به تفسیر سورههای فاتحه، بقره) تا آیه ۶۵ (یس، سجده، حدید، واقعه، جمعه، طارق، اعلی و زلزال و آیة الکرسی و آیه نور اختصاص دارد؛ نیز از دو تفسیر تحفة الابرار فی تفسیر القرآن اثر محمد ملایکه) قرن ۱۲ (و تفسیر رضوان اثر میرزا عبدالوهاب) م .۱۲۹۴ق (.به عنوان دو تفسیر فلسفی یاد شده است].۲۰][۲۱

- پانویس

۱. ↑دانشنامه قرآن، ج۱، ص۶۴۳.
۲. ↑اصول التفسیر و قواعده، ص۲۳۲ - ۲۳۵.
۳. ↑المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص۶۴.
۴. ↑التفسیر والمفسرون، ج۲، ص۴۱۷ - ۴۱۸.
۵. ↑اصول التفسیر و قواعده، ص۲۳۲.
۶. ↑اصول التفسیر و قواعده، ص۲۳۷ ۲۳۸.
۷. ↑المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص۶۴.
۸. ↑المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص۶۴.
۹. ↑تفسیر و مفسران، ج۲، ص۴۳۲.
۱۰. ↑واقعه/سوره۵۶، آیه۲۴
۱۱. ↑تفسیر صدرالمتألهین، ج۷، ص۴۰.
۱۲. ↑تفسیر ومفسران، ج۲، ص۴۳۶.
۱۳. ↑التفسیر والمفسرون، ج۲، ص۴۳۱.
۱۴. ↑اصول التفسیر وقواعده، ص۲۳۲ - ۲۳۷.
۱۵. ↑المیزان، ج۱، ص۶.
۱۶. ↑روشهای تأویل قرآن، ص۶۸.

١٧. ↑الفوائد الطوسيه، ص٣٥۴.
١٨. ↑الفوائد الطوسيه، ص٣٢۵.
١٩. ↑مفاتيح الغيب، ج١، ص١۴٧.
٢٠. ↑دايرة المعارف تشيع، ج٣، ص١٨٣.
٢١. ↑دايرة المعارف تشيع، ج٣، ص١٨۵.